

تداوم قطعی اینترنت چه تبعاتی خواهد داشت؟

هش همت خسارت برای ۱۷ روز

قطعی اینترنت بین‌المللی هفدهمین روز خود را پشت سر می‌گذارد. هرچند از روزهای گذشته به صورت قطره‌چکانی و موردی در بعضی نقاط، اتصالات به صورت موقت و کوتاه برقرار و بار دیگر قطع می‌شود؛ اما همین قطعی و وصلی پراکنده نیز مشخص نیست که بر اساس چه الگو و مدلی رخ می‌دهد. از چند روز قبل رکورد قطعی اینترنت در کشور شکسته شد و به رغم برقراری اتصالات پراکنده، هنوز این رکوردشکنی ادامه دارد.

شرح در صفحه ۶

جزئیات سند جدید استراتژی دفاعی آمریکا

بررسی شد

ایران در

کانون توجه واشنگتن در

خاورمیانه

صفحه ۶

پاسخگویی در ایران گم

شده است

جای خالی

«مقاعدسازی مردم» در

حکمرانی

صفحه ۶

در جلسه سران سه قوه به میزبانی رئیس‌جمهور

مطرح شد

ارائه گزارش بانک مرکزی

از اقدامات معیشتی و

تحولات بازار ارز

صفحه ۶

خبر

پنتاگون و بازی با آتش تصمیمات مهار نشدنی

استراتژی دفاعی ملای ۲۰۲۶ آمریکا که اخیراً منتشر شده با ادعای «ضعیف‌تر شدن ایران»، بار دیگر شکاف میان روایت‌سازی واشنگتن واقعیت‌های میدانی را آشکار کرده است؛ برآوردهایی که نادیده گرفتن آن‌ها از ظرفیت‌های واقعی ایران، می‌تواند منشأ تصمیمات پرریسک و پیامدهای مهارنشدنی شود.

به گزارش نوزینوز انتشار (استراتژی دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۲۶) از سوی پنتاگون، بار دیگر چارچوب رسمی واشنگتن در قبال جمهوری اسلامی ایران و تحولات امنیتی منطقه غرب آسیا را عیان کرده است؛ سندی که در آن، آمریکا ضمن اشاره به حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و نقش خود در دفاع از اسرائیل در جریان جنگ ۱۳ روزه، مدعی شده است «حکومت ایران اکنون ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از هر زمان دیگری در دهه‌های اخیر» قرار دارد. این ارزیابی همچنین با تأکید بر تضعیف نیروهای هم‌پیمان ایران در منطقه، تلاش دارد تصویری از تغییر موازنه قدرت به نفع واشنگتن و متحدانش ارائه دهد.

با این حال، آنچه در لایه‌های عمیق‌تر این سند قابل مشاهده است، نه یک ارزیابی دقیق و واقع‌بینانه راهبردی، بلکه تداوم همان خطای محاسباتی مزمنی است که سال‌هاست سیاست‌گذاری آمریکا در قبال ایران را شکل داده است. پنتاگون بار دیگر با تقلیل قدرت ایران به مجموعه‌ای از شاخص‌های کلاسیک و کوتاه‌مدت نظامی، از درک ماهیت انباشتی، شبکه‌ای و تطبیقی توانمندی‌های جمهوری اسلامی بازمانده و بر همین اساس، به جمع‌بندی‌هایی رسیده که بیش از آن‌که بر واقعیت‌های میدانی استوار باشد، در خدمت توجیه راهبرد فشار و تقابلی است. ادعای «ضعیف‌تر شدن ایران» در حالی مطرح می‌شود که تجربه عملی سال‌های اخیر نشان داده است هر ضربه یا فشار، الزاماً به معنای تضعیف راهبردی نیست. قدرت ایران، برخلاف برداشت پنتاگون، صرفاً در تجهیزات یا حضور مستقیم نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در توان مدیریت هم‌زمان سطوح مختلف تقابل، از میدان نظامی گرفته تا عرصه سیاسی، اجتماعی و ادراکی تعریف می‌شود. نادیده گرفتن این واقعیت، باعث می‌شود هر دوره بازاریابی یا خویشتن‌داری تاکتیکی، به‌اشتباه نشانه ضعف تلقی شود.

جنگ ۱۲ روزه که در این سند به‌عنوان یکی از نشانه‌های موفقیت آمریکا و اسرائیل برجسته شده، خود به یکی از شاخص‌های روشن غیرواقعی بودن این برآوردها تبدیل شده است. اگر فرض پنتاگون مبنی بر آسیب‌پذیر شدن بنیادین ایران صحیح بود، این جنگ می‌بایست به تثبیت یک بازدارندگی پایدار و کاهش سطح تهدیدات منجر می‌شد؛ در حالی که نتیجه عملی آن، افزایش نااطمینانی، گسترش دامنه تنش و آشکار شدن شکنندگی محاسبات طرف مقابل بود. نحوه مدیریت بحران و کنترل دامنه درگیری از سوی ایران نشان داد که مسئله اصلی، ضعف نیست، بلکه نوعی تنظیم هوشمندانه هزینه و فایده در سطح راهبردی است. در همین چارچوب، ادعای «یورانی نیروهای نیابتی» و کاهش پایدار تهدیدات منطقه‌ای افزایش می‌دهد، خطوط قرمز را مخدوش می‌کند و مسیر سیاسی است. تجربه میدانی بارها نشان داده که نیروهای وابسته به جبهه مقاومت، ساختارهایی ایستا و وابسته نیستند، بلکه شبکه‌هایی انعطاف‌پذیر با قابلیت بازسازی و انطباق هستند. حتی هشدار خود سند درباره احتمال بازسازی توان این گروه‌ها، ناخواسته نشان می‌دهد که ادعای تضعیف قاطع و نهایی، فاقد پشتوانه تحلیلی منسجم است. خطر اصلی این نوع برآوردهای خوش‌بینانه و غیرواقعی، نه در سطح تحلیل، بلکه در پیامدهای عملی آن نهفته است. تصور «ضعف تاریخی ایران» می‌تواند زمینه‌ساز تصمیماتی شود که سطح ریسک‌پذیری را به‌طور نامتناسبی افزایش می‌دهد، خطوط قرمز را مخدوش می‌کند و مسیر را برای اقدامات شتاب‌زده و پرهزینه هموار می‌سازد. تجربه‌های پیشین نشان داده که چنین تصمیم‌هایی، به‌سرعت از کنترل طراحان آن خارج شده و شرایطی ناخواسته و بحران‌زا برای کل منطقه ایجاد کرده است.

شناسه آگهی: ۲۰۹۳۲۱

فراخوان تجدید(۱) مناقشه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی خورید ۲ دستگاه سیستم بازی ایکنس ری خودرویی (ماشین های سبک)

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قراردادها و مناقصات

۳۹۲۸

رجوع به صفحه ۳

اگر شما هم

یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴

۵ شعبان ۱۴۴۶

۲۵ ژانویه ۲۰۲۶

سال بیستم

شماره ۶۱۰۷

صفحه ۸

۱۰۰۰۰ تومان

چرا استیو ویتکاف مذاکره‌کننده موفق‌تری نبود؟

از میز مذاکره تا میدان تقابل

صفحه ۷

بازار در آستانه جهش یا فرسایش؟

بازار ارز بدون بیدر قیمتی

صفحه ۵



سرمقاله

مهدی بذرافکن



دوران بی هوشی و انسان آفلاین

در دفعات گذشته هر بار که اینترنت با محدودیت یا قطع مواجه می‌شد نخستین پیامد آشکار آن آسیب به کسب‌وکارها بود.

در لایه‌ای عمیق‌تر مسئله‌ای کمتر دیده‌شده اما به‌شدت ملموس وجود داشت: «رنج ناشی از گسست عادت‌های دیجیتال»، مردم به شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام خو گرفته بودند؛ ابزارهایی که برای ارتباط و معنا دادن به روزمرگی، خبر گرفتن، دیده شدن و حتی تخلیه روانی به کار می‌رفتند. قطع اینترنت ناگهان این جریان عادی زندگی را متوقف می‌کرد و نوعی خلأ روانی و بی‌قراری جمعی به‌وجود می‌آورد.

اما این بار ماجرا تفاوتی جدی داشت. در قطع اخیر اینترنت جامعه با سطحی تازه از وابستگی دیجیتال روبه‌رو شد؛وابستگی به «هوش مصنوعی».

اگر در گذشته شبکه‌های اجتماعی پنجره ارتباط با جهان بودند، امروز ابزارهای هوش مصنوعی به بخشی از فرآیند فکر کردن، تصمیم‌گیری، تولید محتوا، آموزش، کار و حتی حل مسائل روزمره تبدیل شده‌اند. برای بسیاری از کاربران، هوش مصنوعی صرفاً ابزاری لوکس یا سرگرم‌کننده نیست، بلکه دستپاچی دائمی و نامرئی است که در پس بسیاری از فعالیت‌های فردی و حرفه‌ای حضور دارد.

دانشجویی که برای فهم بهتر درس‌ها به هوش مصنوعی متکی دارد، روزنامه‌نگاری که برای تحلیل و ویرایش متن از آن کمک می‌گیرد، یا کسب‌وکاری که بخشی از پاسخ‌گویی و برنامه‌ریزی خود را بر پایه این ابزارها بنا کرده، ناگهان با نوعی ناتوانی مضاعف روبه‌رو شده.

ادامه در صفحه ۶

شورای صلح ترامپ؛ تصمیم‌گیری درباره فلسطین بدون حضور فلسطینی‌ها

هیچ‌گونه فرآیند انتخاب عمومی، شفاف و مبتنی بر حقوق بین‌الملل در آن وجود ندارد.

شورای صلح تلاش برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی ترامپ است

این کارشناس مسائل غرب آسیا با اشاره به این‌که موضوع اصلی، سرنوشت ملت فلسطین است، گفت: بر اساس اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل، هیچ فرد یا دولتی حق ندارد به جای ملت فلسطین درباره آینده آن تصمیم‌گیری کند. با این حال، در شورای اجرایی صلح ترامپ حتی یک نماینده از فلسطینی‌ها حضور ندارد و این مسئله یک خلأ اساسی و غیرقابل توجیه است. این پرسش جدی مطرح می‌شود که شورایی بدون حضور ذی‌نفع اصلی، چگونه می‌تواند ادعای تصمیم‌گیری عادلانه درباره آینده فلسطین را داشته باشد.

زنگنه با تأکید بر این‌که «این شورا در واقع تلاشی برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی آمریکا و شخص ترامپ از طریق اعمال زور است»، در پاسخ به این پرسش که آیا جامعه جهانی چنین رویکردی را خواهد پذیرفت؟، گفت: متأسفانه در شرایط کنونی، «دو عنصر «قدرت» و «رسانه» نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی دارند. اگر رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به‌صورت گسترده از این طرح حمایت کنند، این امکان وجود دارد که آن را به‌عنوان خواست یا تصمیم جامعه جهانی به افکار عمومی القا کرده و تثبیت کنند؛ حتی اگر در واقعیت، مخالفت‌های جدی با آن وجود داشته باشد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: جامعه جهانی طی دهه‌های گذشته سازوکارهایی برای مدیریت بحران‌ها و حل‌وفصل اختلافات ایجاد کرده است که ترامپ به آن‌ها بی‌اعتقاد است. خروج آمریکا از بسیاری از سازمان‌ها و توافق‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر گواه این رویکرد است. از نگاه ترامپ، چه خود را در جایگاه یک پادشاه می‌بیند، جهان باید تصمیمات او را بی‌چون‌وچرا بپذیرد. این نگاه، تلاشی برای بازگرداندن نظم قدرت‌محور و یک‌جانبه‌ای است که قرن‌ها پیش بر روابط بین‌الملل حاکم بود، اما امروز با واقعیت‌های جهان معاصر هم‌خوانی ندارد.

سوی ترامپ نه‌تنها با تحولات حقوقی و سیاسی جهان امروز هم‌خوانی ندارد، بلکه می‌تواند بحران‌های جدید و گسترده‌ای ایجاد کند که پیامدهای آن صرفاً محدود به غزه یا فلسطین نخواهد بود و کل منطقه غرب آسیا و حتی نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی ایران با اشاره به تلاش ترامپ برای کسب مشروعیت بین‌المللی برای این طرح، حتی از طریق سازمان ملل متحد، تصریح کرد: این رفتار در تناقض آشکار با رویکرد کلی ترامپ نسبت به سازمان ملل و شورای امنیت است. او بارها نشان داده که اعتقادش به این نهادها و قواعد حاکم بر آن‌ها ندارد و در عمل نیز از بسیاری از سازوکارهای بین‌المللی فاصله گرفته است. افزون بر این، طرح شورای صلح ترامپ با مخالفت یا تردید جدی چند کشور عضو دائم شورای امنیت مواجه شده و همین امر نشان می‌دهد که اجماع بین‌المللی لازم برای پیشبرد چنین ابتکاری وجود ندارد.

پیش‌شرط هرگونه ابتکار صلح‌آمیز، برقراری آتش‌بس واقعی در غزه است

زنگنه با تأکید بر این‌که انجام اقدامات بزرگ در عرصه بین‌المللی نیازمند موفقیت در گام‌های اولیه و عملی است، خاطرنشان کرد: پیش‌شرط هرگونه ابتکار صلح‌آمیز، برقراری آتش‌بس واقعی و پایدار در غزه است. در حالی که ترامپ با وجود نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترده آمریکا، نوانسته آتش‌بس را به‌طور کامل عملیاتی کند و همچنان شاهد حضور نیروهای نظامی اسرائیل در غزه، ادامه درگیری‌ها و کشتار غیرنظامیان هستیم. این واقعیت نشان می‌دهد که طرح شورای صلح بیش از آن‌که مبتنی بر واقعیت‌های میدانی باشد، جنبه تبلیغاتی و سیاسی دارد.

وی ادامه داد: تا زمانی که آتش‌بس به‌صورت کامل اجرا نشود و نیروهای نظامی اسرائیل مطابق توافق‌های اعلام‌شده از غزه خارج نشوند، هر طرحی تحت عنوان «شورای صلح» عملاً فاقد کارآمدی خواهد بود. علاوه بر این، نحوه شکل‌گیری این شورا نیز محل اشکال جدی است؛ چراکه اعضای آن مستقیماً توسط ترامپ انتخاب شده‌اند و برخلاف نهادهایی مانند شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل،

شورا در مدیریت بحران‌ها به آن نمی‌پیوندند.

از سوی دیگر، پذیرفتن دعوت برای عضویت در شورای صلح باعث شده تا کشورهایی مانند جمهوری آذربایجان اعلام آمادگی کنند. در حالی‌که برخی دیگر همچون ایتالیا ، آلمان ، اسپانیا و...صراحتاً اعلام کرده‌اند به این ابتکار نخواهند پیوست. این رویکرد دوگانه بین کشورها، خود نشان‌دهنده تردیدها و مناقشات جدی درباره مشروعیت، نقش و تأثیرگذاری این شورا در معادلات جهانی است. طرح شورای صلح ترامپ اگرچه در ظاهر با ادعای تلاش برای صلح جهانی و حل بحران‌ها مطرح شده، اما با تمرکز شدید قدرت در دست شخص رئیس شورا و حضور محدود کشورها در تصمیم‌گیری‌های اساسی، از سوی بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان تلاشی برای بازتعریف قواعد قدرت بین‌الملل به نفع ایالات متحده و تضعیف نقش نهادهای چندجانبه سنتی تلقی می‌شود؛ موضوعی که در متن این مصاحبه و نقد کارشناسان نیز بازتاب یافته است.

دوران قیمومیت‌ها به پایان رسیده است

«صبح زنگنه» کارشناس مسائل غرب آسیا، در گفت‌وگو با ایسا، با اشاره به طرح شورای صلح ترامپ که از سوی رئیس‌جمهور آمریکا مطرح و در حال پیگیری است و این‌که برخی تحلیلگران معتقدند هدف اصلی آن، تضعیف یا حتی چلین اقداماتی شاید در اوایل قرن بیستم قابل تصور و تا حدی پذیرفتنی بود؛ دورانی که قدرت‌های بزرگ خود را قیم کشورها و ملت‌های دیگر می‌دانستند و بدون توجه به اراده ملت‌ها، درباره سرنوشت آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کردند. نمونه بارز آن، نقش انگلستان در قبال فلسطین بود که این سرزمین عملاً تحت قیمومیت لندن قرار داشت و تصمیمات اساسی درباره آینده آن خارج از اراده مردم فلسطین اتخاذ می‌شد.

وی با تأکید بر این‌که نظام بین‌الملل امروز بر پایه اصولی چون حاکمیت ملی، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و سازوکارهای چندجانبه شکل گرفته است، افزود: در قرن بیست‌ویکم دوران قیمومیت‌ها به پایان رسیده و چنین رویکردهایی عملاً منسوخ شده‌اند. احیای این نوع نگاه از

کارشناس مسائل غرب آسیا با اشاره به طرح موسوم به «شورای صلح» ترامپ اظهار کرد: ترامپ خود را در جایگاه پادشاهی می‌بیند که تصور می‌کند باید کل جهان را مدیریت کند و همه امور بین‌المللی در اختیار اوست؛ نگاهی که با واقعیت‌های نظام بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم هم‌خوانی ندارد.

به گزارش ایسا، در شرایطی که بحران غزه و تنش‌های منطقه‌ای در خاورمیانه به یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین چالش‌های بین‌المللی تبدیل شده است، ایالات متحده به ریاست «دونالد ترامپ» طرحی نوین را با عنوان «شورای صلح» یا «هیات صلح» برای مدیریت این بحران پیشنهاد داده است. این ابتکار که در ابتدا با هدف نظارت بر آتش‌بس غزه و پشتیبانی از روند بازسازی آن معرفی شد، به‌سرعت فراتر از چارچوبی محدود برای یک پرونده خاص گسترش یافت و اکنون به یک نهاد بین‌المللی پیشنهادی با ادعای حل‌وفصل منازعات جهانی تبدیل شده است.

بر اساس منشور منتشرشده و بیانیه‌های رسمی، شورای صلح ترامپ قرار است نهاد واسطی برای حل‌وفصل درگیری‌ها و بازسازی مناطق درگیر جنگ باشد که آمریکا به ریاست آن منصوب شده و کشورهای دیگر را برای مشارکت در آن دعوت می‌کند. در اساسنامه این نهاد، شروطی از جمله واجد شرایط شدن کشورها برای «عضویت دائمی» با مشارکت مالی قابل‌توجه (به‌طور نمونه پرداخت یک میلیارد دلار) مطرح شده است که به گمان بسیاری از ناظران بیش از آن‌که نمادی از مشارکت بین‌المللی باشد، به‌تمرکز قدرت در دست واشنگتن می‌انجامد.

پیامد مستقیم این وضعیت آن است که این شورا نه‌تنها فاقد سازوکار انتخابی و مشارکتی مشابه نهادهای پذیرفته‌شده جهانی چون سازمان ملل متحد است، بلکه در عمل می‌تواند جایگزینی موازی برای شورای امنیت ایجاد کند — نهادی که دهه‌ها ستون اصلی حل مناقشات بین‌المللی بوده است. بسیاری از اعضای اتحادیه اروپا و دیگر متحدان سنتی ایالات متحده نسبت به جنبه‌های حقوقی و مدیریتی شورای صلح ابراز تردید کرده‌اند. برخی کشورها اعلام کرده‌اند که در شرایط حاضر به دلیل ساختار تمرکزگرا و کم‌تجربه این

یک کارشناس مسائل غرب آسیا با اشاره به توافق صورت گرفته بین نیروهای دموکراتیک سوریه و حکومت دمشق اظهار کرد: این توافق‌نامه شکننده و فاقد پشتوانه اجرایی است.

به گزارش ایسا، در هفته‌های اخیر، شمال و شمال‌شرق سوریه شاهد تحولات مهمی بوده که می‌تواند مسیر جنگ طولانی این کشور را دستخوش تغییرات اساسی کند. پس از ماه‌ها تنش و درگیری‌های پراکنده میان حکومت سوریه و نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)، دو طرف در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۶ به یک توافق آتش‌بس جامع و طرح ادغام قسد در ساختار حکومت مرکزی رسیدند؛ توافقی که از سوی دمشق به‌عنوان گامی اساسی برای «بازگرداندن حاکمیت دولت بر تمامی خاک سوریه و تثبیت امنیت داخلی» توصیف شده است. بر اساس مفاد این توافق، آتش‌بس فوری در تمام جبهه‌ها برقرار شده و نیروهای قسد موظف به عقب‌نشینی نظامی به شرق رودخانه فرات شده‌اند، در حالی که حکومت سوریه کنترل استان‌های دیرالزور و رقه را هم به‌طور کامل اداری و نظامی به دست گرفته و در حسکه نیز ساختارهای مدنی تحت اداره قسد در چارچوب نهادهای دولتی ادغام خواهد شد.